افشاگری زن جوان

شوهرش را پای چوبه دار برد

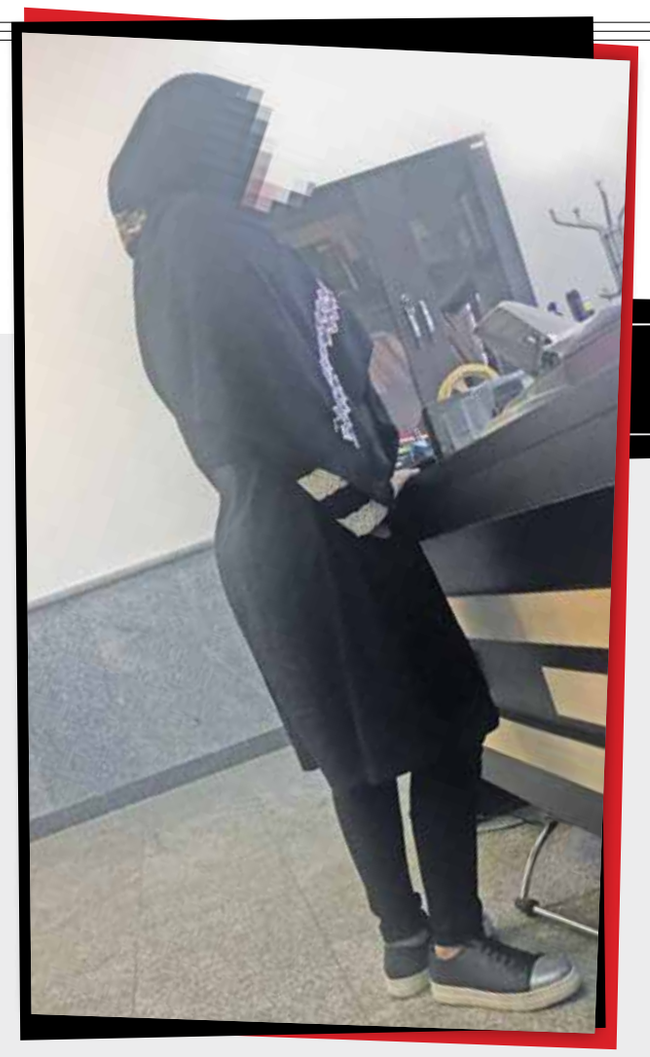

گروه حوادث- کامران علمدهی/ زن جوان با قدم‌های لرزان و چشمانی نگران به سمت اتاق افسر پرونده رفت؛ به چند قدمی اتاق که رسید مکثی کرد. انگار مردد شده بود، ناخودآگاه به عقب برگشت؛ می‌خواست اداره پلیس را ترک کند. با خودش فکر کرد بهتر است برگردد وهمچنان به سکوت ۶ ماهه‌اش ادامه دهد، اما باز پشیمان شد. این بار دل به دریا زد تا راز جنایت شومی را که مدت‌ها در دل نگه داشته بود فاش کند. زن جوان آهسته وارد اتاق شد و با صدایی لرزان سلام کرد بعد هم گوشه‌ای ایستاد. جناب سرگرد که سرگرم خواندن پرونده‌ای بود با شنیدن صدای زن جوان سرش را بلند کرد. نگاهش که به نسرین افتاد، سری تکان داد و گفت: علیک سلام. خانم من که به شما گفتم پرونده همسرت از دست ما خارج شده و در مسیر قضایی قرار گرفته. نه وقت ما را تلف کن و نه خودت را خسته. شوهرت به جرم سرقت مسلحانه در زندان است و قاضی باید برای مجازات یا آزادی او تصمیم بگیرد. الان هم اگر کار دیگری نداری به سلامت.

نسرین آب دهانش را قورت داد و در حالی که نمی‌دانست از کجا باید شروع کند، گفت: من برای موضوع دیگری آمده‌ام.

سرگرد همان‌طوری که سرش پایین بود، خیلی کوتاه جواب داد: خب کارت چیه؟

زن نفس عمیقی کشید و بریده بریده گفت: شهرام قاتله، آدم کشته!

سرگرد سرش را بالا آورد و پرسید: چی؟ قاتله؟ بشین ببینم چی میگی؟

نسرین روی صندلی نشست و از کیفش شیشه آبی درآورد سپس جرعه‌ای از آن نوشید و گفت: ۶ ماه قبل از اینکه به خاطر سرقت مسلحانه دستگیر شود، خانم معلم جوانی را کشته بود.

سرگرد با تعجب پرسید: حالا یادت افتاده؟ یا می‌دانستی و سکوت کردی؟ اصلاً از کجا بدانم دروغ نمی‌گویی؟

نسرین که رنگ به صورت نداشت، جواب داد: راستش جناب سرگرد می‌ترسیدم که شهرام زندانی نشود و بعد از آزادی بلایی که سر آن زن آورد سر من بیاورد.

بعد انگار خاطره‌ای را در ذهنش مرور کند، گفت: آن روز آشفته و سراسیمه به خانه آمد؛ لکه‌های چند قطره خون هم روی لباسش بود وقتی از او پرسیدم این خون‌ها چیست، گفت با یک نفر دعوا کردم الان هم سرم درد می‌کند و حوصله توضیح ندارم. بعد هم رفت خوابید. از آنجا که احساس کرده بودم دروغ گفته لباس‌هایش را گشتم و ناگهان یک کارت شناسایی و عکس زن جوانی را در جیب شلوارش پیدا کردم. زنی که حدوداً ۲۷ – ۲۸ ساله بود.

نسرین، کارت شناسایی معلم جوان را روی میز سرگرد گذاشت و ادامه داد: اول می‌خواستم سکوت کنم اما حسادت زنانه آزارم می‌داد. از آنجایی که من زن دوم شهرام هستم فکر کردم قصد دارد زن دیگری بگیرد. خیلی عصبانی بودم برای همین به سراغش رفتم و درباره عکسی که همه روح و روانم را به هم ریخته بود، پرسیدم.

او وقتی فهمید آن عکس را دیده‌ام از من خواست خودم را کنترل کنم تا ماجرایی را برایم تعریف کند. بعد به من گفت که قصد داشته کیف زن جوانی را سرقت کند اما وسوسه شده و به او تعرض کرده بعد هم کیفش را سرقت کرده اما از ترس شناخته شدن با سنگ و چاقو به جان زن بیچاره افتاده و او را کشته است.

نسرین در حالی که اشک می‌ریخت، ادامه داد: راستش با اینکه من و شهرام گاهی باهم از زائرسراها در مشهد سرقت می‌کردیم و از همه کارهای همدیگر خبر داشتیم اما آن شب نتوانستم حرف‌های او را باور کنم و تا صبح به خیال اینکه به من خیانت کرده است، خوابم نبرد تا اینکه صبح، من را به محلی برد که خانم معلم را کشته بود. من از دور جسد را دیدم که هنوز همانجا افتاده است. حال عجیبی داشتم دلم برای زن جوان سوخت. بعد از اینکه محل را ترک کردیم شهرام تهدیدم کرد که اگر حرفی بزنم من را هم می‌کشد. بعد هم خودش از تلفن همگانی پلیس را در جریان کشف جسد معلم جوان قرار داد، اما اتفاقی نیفتاد. حالا هم من حاضرم به خاطر دو سرقتی که با شهرام انجام دادم و همینطور مخفی کردن این ماجرا مجازات شوم اما نگذارید خون آن زن جوان پایمال شود.

سرگرد دستی به ته‌ریشش کشید و قدری تأمل کرد بعد گوشی تلفن را برداشت و با قاضی پرونده تماس گرفت و در چند جمله از قاضی خواست مجوز ارجاع پرونده شهرام و احضار او برای تحقیقات دوباره را صادر کند. در ادامه تحقیقات با بررسی پرونده اجساد کشف شده در ۶ ماهه گذشته مشخص شد جسد زن جوانی در نزدیکی پمپ بنزین جاده پاکدشت که با ضربات جسم سخت و چاقو به قتل رسیده، کشف شده بوده اما سرنخی از عامل قتل به دست نیامده بود.

چند روز بعد ساعت ۸ صبح اداره آگاهی

شهرام: من هرچیزی که باید می‌گفتم، گفته‌ام. من ۵ بار سرقت کردم و هربار را با جزئیات تعریف کردم و حالا هم دیگر حرفی برای گفتن ندارم.

سرگرد چند ثانیه‌ای به شهرام نگاه کرد و گفت: حدوداً ۱۲ بار بازجویی شدی اما در هیچ‌کدام از آن جلسات به ماجرای قتل اشاره نکردی!

شهرام در حالی که جا خورده بود، سعی کرد خیلی خونسرد پاسخ دهد: قتل؟ کدام قتل؟ من سارقم نه قاتل!

سرگرد گفت: سعی نکن خودت را بی‌گناه نشان دهی. ماجرای قتل معلم جوانی را که در نزدیکی پمپ‌بنزین به قتل رساندی با جزئیات تعریف کن. همسرت نسرین همه ماجرا را برایمان شرح داده و تحقیقات و بررسی‌ها هم قاتل بودن تو را محرز کرده پس طفره نرو و ماجرا را تعریف کن.

شهرام که راهی جز بیان حقیقت نداشت، گفت: آن شب همسرم هم همراهم بود. در حال رد شدن از جاده شهریار بودیم که زن جوانی نظرمان را جلب کرد؛ او کیفش را بغل کرده بود.

به اصرار نسرین جلوی پای آن زن ایستادم و خواستم کیفش را بگیرم که مقاومت کرد. همسرم عصبانی شد و با آن زن درگیر شدند بعد هم به او تجاوز کردم و چون چهره هر دوی ما را دیده بود با سنگ و چاقو به جانش افتادم و بعد هم جسدش را همانجا رها کردیم و به خانه رفتیم.

جلسه بازجویی بعد از یک ساعت خاتمه پیدا کرد و از آنجا که سرگرد فکر می‌کرد در اظهارات متهم تناقض‌ها و ناگفته‌هایی وجود دارد ادامه بازجویی را به جلسه بعد موکول کرد.

اما در جلسه بعد شهرام اظهاراتش را تغییر داد و گفت: دروغ گفتم همسرم در این ماجرا بی‌گناه است. آن شب وقتی دیدم زن جوان تنهاست و کیفش را محکم بغل کرده وسوسه شدم. فکر کردم حتماً پول یا طلای زیادی در کیفش دارد به همین خاطر به سمتش رفتم. وقتی کیف را دزدیدم فقط ۲هزار و پانصد تومان داخل کیف بود. از ترس اینکه شناسایی شوم او را کشتم.

در ادامه جلسات بازجویی‌های فنی پلیس، شهرام به راز قتل دیگری هم اشاره کرد و در تشریح ماجرا گفت: ۲ ماه پیش از این قتل در یک تاکسی با زنی حدوداً ۷۰ ساله آشنا شدم باهم از ماشین پیاده شدیم و از من خواست او را تا محل زندگی‌اش همراهی کنم. در مسیر وسوسه شدم از او سرقت کنم؛ فکر کردم پول و طلای زیادی داشته باشد اما وقتی او را کشتم چیزی گیرم نیامد و جسدش را داخل باغ متروکه‌ای انداختم و خانه برگشتم.

با پایان اعتراف‌های تکان‌دهنده شهرام، مأموران صحت اظهاراتش را مورد بررسی قرار دادند و معلوم شد که او در بازجویی‌های آخر واقعیت را بیان کرده است.

بدین ترتیب وقتی پرونده وی به دادگاه کیفری یک تهران فرستاده شد، پس از محاکمه به دو بار قصاص محکوم شد. این حکم پس از تأیید از سوی قضات دیوان عالی کشور به اجرای احکام رفت و مرد جنایتکار موفق نشد رضایت اولیای دم پرونده را جلب کند و به درخواست اولیای دم به دار مجازات آویخته شد.

۱۵ سال بعد

نسرین که حالا زنی میانسال شده ۱۵ سال بعد از اعدام شوهرش بار دیگر قدم به دادگاه کیفری تهران گذاشت. وقتی وارد شعبه‌ای شد که حکم پرونده شوهرش را صادر کرده بودند با شرح مختصری از پرونده به قاضی گفت: بعد از اعدام شهرام با کارگری و دستفروشی امرار معاش می‌کردم، تا اینکه چند ماه قبل وقتی به اداره ثبت احوال مراجعه کردم تا شناسنامه‌ام را تعویض کنم در آنجا به من گفتند که شما متأهل هستی. خیلی تعجب کردم بعد برایشان توضیح دادم که شوهرم ۱۵ سال قبل اعدام شده اما باور نکردند و گفتند مرگ او در جایی ثبت نشده است. تنها راهی که پیش پایم قرار دادند این بود که به دادگاه بیایم و برگه‌ای بگیرم که تأیید کند او مرده است. حالا به دادگاه آمده‌ام و تقاضا دارم به من کمک کنید بتوانم نام او را از شناسنامه‌ام حذف کنم. بعد هم زیر لب با خودش گفت: ای کاش راهی بود تا خاطرات شوم چند سال زندگی با او را هم از ذهنم پاک کنم.

انفجار مرگبار ساختمان ۳ طبقه در شهرری

یک زن سالخورده در این حادثه جان باخت و ۱۹ نفر مصدوم شدند

گروه حوادث/ انفجار گاز شهری و تخریب ساختمان سه طبقه در جنوب تهران منجر به مرگ یک زن و مصدوم شدن ۱۹ نفر از ساکنان این ساختمان شد.

سیدجلال ملکی سخنگوی سازمان آتش نشانی در تشریح این حادثه گفت: صبح دوشنبه خبر انفجار گاز و تخریب ساختمانی در محله جوانمرد قصاب به سامانه ۱۲۵ اعلام شد و بلافاصله تیم‌های عملیات راهی محل شدند.

با شروع عملیات امداد و نجات که تا ظهر طول کشید در مجموع ۲۰ زن و مرد از زیرآوار بیرون کشیده شدند که در این میان یک زن ۷۵ ساله جان باخت و حال سه مصدوم نیز وخیم است.

محمدی مدیرعامل سازمان آتش نشانی نیز اعلام کرد که نشت گاز، علت اولیه وقوع حادثه انفجار در محله جوانمرد قصاب اعلام شده است.

به گفته وی، بعد از اعلام وقوع حادثه در این مکان بلافاصله پنج ایستگاه آتش نشانی به محل حادثه اعزام شدند و آتش نشانان ظرف دو دقیقه به محل حادثه رسیدند. بررسی‌ها نشان داد که یک ساختمان سه طبقه مسکونی قدیمی دچار انفجار شده و طی آن بخش زیادی از ساختمان تخریب شده است و شدت تخریب به گونه‌ای بود که علاوه بر ساختمان سه طبقه، چهار مغازه و خانه قدیمی نیز در اطراف این خانه وجود داشتند که بخشی از آنها نیز دچار تخریب شدند.

جعفر شربیانی عضو شورای شهر تهران و رئیس شورای شهرستان ری هم که در صحنه حاضر شده بود، گفت: موکب‌های ویژه اسکان برای حادثه دیدگان و خدمات‌رسانی برای امدادگران از سوی شهرداری منطقه ۲۰ آماده شده است.

همچنین سگ‌های ویژه عملیات جست‌وجو و نجات به صحنه انفجار واحد مسکونی در محله جوانمرد قصاب آورده شدند.

رعایت نشدن استاندارد و ایمنی علت انفجارهای مرگبار

اسماعیل امیری کارشناس حوزه آتش‌نشانی درباره دلایل انفجار گاز شهری و تخریب‌های شدید ساختمان‌ها گفت: انفجارهای ناشی از گاز را در چند وجه می‌توان بررسی کرد. اول اینکه خانواده‌ها بایستی شناخت و آگاهی کافی نسبت به استفاده از وسایل گازسوز داشته باشند. دومین مورد رعایت استانداردها و سومین موضوع هم بحث رعایت نکات ایمنی است. در بسیاری از عملیات اطفای حریق که ناشی از انفجار و ترکیدگی‌های لوله گاز بوده، مشاهده می‌شود که خانواده‌ها به‌خاطر سهل‌انگاری و بی‌توجهی دچار سانحه و خسارت‌های غیرقابل جبران شده‌اند. در نظر داشته باشید که وقتی در یک خانه آبگرمکن گازی نصب می‌شود باید بطور مداوم به استانداردها و نشتی‌های احتمالی توجه کرد.

وی افزود: گاز شهری به خودی خود سنگین است، وقتی نشتی از پایین منبع آزاد می‌شود کم‌کم از سطح زمین گاز انباشته می‌شود تا به بالای آبگرمکن و جایی که مشعل قرار دارد برسد و در نهایت هم وقتی گاز به مشعل می‌رسد به‌خاطر حجم گسترده گاز انباشته شده انفجار رخ می‌دهد.

وی در پاسخ به این سؤال که آیا انفجارهای ناشی از گازهای شهری ارتباطی با لوله‌کشی دارد یا خیر، گفت: اگر لوله‌کشی‌ها توسط شرکت گاز تأیید شده باشد به هیچ عنوان خطری ندارد اما در بسیاری از مواقع دیده شده که شهروندان با اضافه کردن انشعابات به لوله‌های اولیه، استاندارد لوله‌کشی را از بین می‌برند.

به عنوان مثال شخصی در حیات خلوت خانه‌اش سماور گازسوزی نصب می‌کند و برای ارزان‌تر شدن هزینه‌ها به سراغ شیلنگ‌های آب می‌رود یا از بست‌های مناسب استفاده نمی‌کند و همین مسأله به یکباره باعث حریق و انفجاری مهیب می‌شود.

برخی فکر می‌کنند شیلنگ گاز فرقی با شیلنگ آب ندارد اما در جنس شیلنگ‌های گاز از الیاف و بافت‌هایی استفاده شده که در برابر حریق و گرما مقاوم‌تر هستند.

این کارشناس آتش‌نشانی در ادامه به موضوع اهمیت وجود ترموکوبل در وسایل گازسوز مثل اجاق گاز اشاره می‌کند و می‌گوید: ماهیت ترموکوبل برای افزایش ایمنی اجاق گاز و یا هر وسیله گازسوز است. این قطعه زمانی وارد عمل می‌شود که شعله به هر دلیلی مثل سرریز شدن غذا یا باد خاموش شود اما می‌بینیم که هنوز در برخی از وسایل یا این سیستم نصب نشده یا معیوب شده و کاربر آن هم توجه چندانی به آن ندارد.

از سوی دیگر باید گفت در محل‌هایی که تراکم جمعیت و خانه‌ها بیشتر است حوادث بیشتری رخ می‌دهد، چون اغلب در آن مناطق افراد توجه کمتری به مسائل ایمنی دارند و هم اینکه وقتی حریق و انفجاری رخ می‌دهد، به‌خاطر تراکم، همسایه‌های مجاور نیز آسیب بیشتری می‌بینند.

وی در جواب این پرسش که آیا در سیستم‌های لوله‌کشی گاز شهری از ترموکوبل استفاده شده یا نه می‌گوید: در سیستم‌های گاز شهری ترموکوبل در رگلاتور خارج از آپارتمان نصب شده و وقتی سانحه‌ای رخ می‌دهد تا زمانی که آتش به کنتور جلوی در نرسد قطع نمی‌شود. البته شهروندان برای ایمنی بیشتر می‌توانند ترموکوبل داخلی نصب کنند و در صورت بروز سانحه گاز از همان داخل آپارتمان‌شان جریان گاز قطع شود اما به خاطر هزینه بالای این قطعه اغلب از نصب آن صرف نظر می‌کنند.

حوادث جهان

برخورد مرگبار ۲ بالگرد

برخورد دو بالگرد آتش‌نشانی با یکدیگر در کالیفرنیا، سه کشته داشت. به گزارش آسوشیتدپرس، این دو بالگرد حین تلاش برای مهار آتش در شهرستان «ریورساید» کالیفرنیا با هم برخورد کرده‌اند و همچنین خود این سانحه نیز منجر به ایجاد حریق شده است. گزارش‌ها حاکی است، یکی از بالگردها به سلامت به زمین نشسته اما بالگرد دوم سقوط کرده و هر سه سرنشین آن کشته شدند. تحقیقات برای بررسی علت و جزئیات بیشتر وقوع حادثه آغاز شده است.

مرگ مهاجران تونسی در آب‌های ایتالیا

قایق مهاجران تونسی در سواحل جنوبی ایتالیا غرق شد و حدود ۳۰ نفر ناپدید شدند. به گزارش شبکه تلویزیونی ایتالیا، جسد سه مهاجر که یک نوزاد و یک زن باردار هم جزو قربانیان بودند در سواحل ایتالیا کشف شد. گارد ساحلی نزدیک به ۶۰ نفر را نیز نجات داد. این قایق‌ها چند روز پیش از تونس حرکت کرده بودند. مقامات می‌گویند دریای مواج ممکن است در این حادثه نقش داشته باشد.

۲۴ کشته در واژگونی مینی بوس مراکشی

بر اثر تصادف یک مینی بوس در مراکش دست‌کم ۲۴ نفر جان خود را از دست دادند. به گزارش الجزیره، مقامات پلیس محلی اعلام کردند: روز یکشنبه مینی‌بوسی حامل تعدادی مسافر در استان «ازیلال» واژگون شده است. این حادثه یکی از مرگبارترین حوادث رانندگی طی چند سال اخیر در مراکش بوده است. نیروهای امدادی و مقامات پلیس به محل این حادثه اعزام شدند و تحقیقات برای تعیین علت وقوع این سانحه رانندگی آغاز شده است.

بریدن ترمز کامیون ۱۰ کشته داشت

در یک سانحه رانندگی در ورودی شهر «کولاب» واقع در جنوب تاجیکستان، دست‌کم ۱۰ نفر کشته و ۱۱ نفر دیگر زخمی شده‌اند. به گزارش بی‌بی‌سی، وزارت کشور تاجیکستان در این زمینه اعلام کرد: در این حادثه یک کامیون شرکت «کفالت واردات و صادرات» که ترمزش از کار افتاده بود با چند خودرو و واحد مسکونی برخورد کرده است. بر اساس گزارش‌ها، راننده ۳۷ ساله کامیون، ۶راننده خودروهای دیگر و ۳زن در این تصادف جان خود را از دست داده‌اند. همچنین وضعیت ۵نفر از زخمی‌ها وخیم گزارش شده است. دادستانی کل تاجیکستان در این خصوص پرونده جنایی باز کرده است و رئیس‌جمهور این کشور هم گفته است که خانواده‌های قربانیان از دولت، «کمک مالی» دریافت خواهند کرد.

۱۰ کشته در سیل ویتنام

مقامات ویتنام اعلام کردند: وقوع سیلاب‌های شدید طی هفته گذشته در مناطق شمالی این کشور تاکنون جان ۱۰ نفر را گرفته است. به گزارش اسپوتنیک، رسانه‌های محلی همچنین اعلام کردند که سیلاب در این نواحی خسارات گسترده برجای گذاشته است. رسانه‌های دولتی تصاویری از خانه‌های تخریب شده در گل و لای، جاده‌های مسدود یا شکافته شده و درختان شکسته و سقوط کرده را منتشر کردند. بنابر این گزارش، مواردی از رانش زمین نیز در مناطق مرکزی این کشور رخ داده است.

خبر پلیس

سرقت با ترفند دستگیری متهم فراری

گروه حوادث/ سه مرد تبهکار با معرفی خود به عنوان مأموران پلیس آگاهی و به بهانه اینکه در تعقیب یک متهم فراری هستند از خانه‌ای سرقت کردند. چند روز قبل مرد جوانی به اداره پنجم پلیس آگاهی پایتخت رفت و از مأموران قلابی شکایت کرد که با ورود به خانه‌اش، اقدام به سرقت کرده بودند. مرد جوان زمانی که در مقابل افسر پرونده قرار گرفت، گفت: ۳ مرد جوان به عنوان مأموران پلیس آگاهی پایتخت وارد خانه‌ام شده و به بهانه اینکه یک متهم فراری و تحت تعقیب در خانه من پنهان شده، شروع به تفتیش خانه کردند. آن زمان تصور می‌کردم آنها پلیس هستند و خیلی مراقب نبودم کجا می‌روند. اما آنها به دور از چشمم؛ ۲۲ گرم طلا و یک گوشی تلفن آیفون به ارزش ۱۶۰ میلیون تومان را سرقت کردند و از آنجا متواری شدند. با شکایت مرد جوان، تحقیقات از سوی کارآگاهان اداره پنجم آغاز شد و در بازبینی دوربین‌های مداربسته اطراف محل سرقت مشخص شد ۳ مرد که لباس شخصی به تن دارند از خودروی پژو پارس سفید رنگ پیاده شده و وارد خانه شاکی شده‌اند. دوربین‌ها نشان می‌داد که آنها ۱۵ دقیقه بعد از خانه شاکی خارج شده و با همان خودروی پژو از محل متواری شده‌اند. با به‌دست آمدن شماره پلاک خودروی پژو، مالک آن شناسایی شد و در تحقیقات بیان کرد که خودرو را به صورت قولنامه‌ای فروخته است. در ادامه تحقیقات خریدار خودرو دستگیر و برای تحقیقات به اداره آگاهی منتقل شد. متهم ابتدا منکر سرقت بود اما در مواجهه با مدارک و مستندات پلیسی به سرقت با همدستی دو نفر از دوستانش اعتراف کرد. سردار «علی ولی‌پور گودرزی» رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ با اعلام این خبر گفت: با اعتراف متهم جوان، دو همدستش نیز بازداشت شدند. تحقیقات از متهمان و کشف اموال مسروقه از آنها ادامه دارد.